



آثار گناهان و معاصی بر فرد و اجتماع

نویسنده: شیخ ابراهیم ابراهیمی

مدرسه علوم دینی اهل سنت و جماعت اسماعیلیه (شیخان)

قسم - گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

اما بعد: گناه و معصیت و نافرمانی از فرامین الهی همچو سمی است که فرد را از پا در می آورد و اجتماع را نابود می سازد. بنگریم به ملتهایی همچون قوم نوح و قوم لوط چه امری سبب شد که آنها از بین بروند و نابود شوند. چیزی بجز گناه و معصیت و نافرمانی رب العالمین نبود.

معصیت و گناه شهرهای آباد را نابود و نعمتها را از انسان زائل می سازد.

گناه و نافرمانی، برکات و خیرات را از زندگی انسان محو می کند و زندگی انسان را به ورطه ی نابودی می کشاند.

چه مقدار نعمتهایی که به سبب معصیت از ما سلب می شود و چه مقدار بلاها و مصائب که به سبب همین گناه و معصیت دامنگیر ما می شود.

چه امری سبب شد شیطان که بنده مقرب الله بود از بارگاه خدا رانده شود و مورد لعنت قرار گیرد؟ چرا پدرمان آدم از بهشت برین خدا رانده شد؟

سبب آن فقط در یک امر و آن معصیت و نافرمانی از باری تعالی بود.

چرا خداوند متعال بر قوم عاد آنچه را که فرستاد تا جایی که همه آنان را همانند چوب خشک درخت نخل به یک طرف پرتاب نمود و خداوند متعال بر قوم ثمود صیحه را فرستاد آنچه را که قلب های آنان را قطعه قطعه ساخت؟

نگاه کنیم به قوم لوط که چگونه جبرئیل امین آنان را به آسمان بالا برد و از همان جا به زمین پرتاب نمود و بعد بارانی از سنگ بر آنان فرود آورد.

بنده به حول و قوه الهی سعی دارم در این مقاله به پاره ای از ضررهای گناهان و معاصی بپردازم و اجتماع اشاره نمایم، باشد که خداوند متعال ما را از گناه و معصیت نجات دهد.

در این مقاله سعی بر آن شده که از روایتهای صحیح و آیات کلام الله مجید بهره گرفته شود و به این امر هم معترفم که هرچه در این مقاله صواب و درست است از الله متعال است و هرچه خطا و اشتباه است از شیطان و نفس خودم می باشد.

امیدوارم که خداوند متعال همه ی مسلمانان در سراسر عالم و حتی غیر مسلمین در سراسر جهان را به راه راست و حق و حقیقت راهنمایی نماید و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم .

ضرر های گناهان و معاصی بر فرد:

۱- محروم بودن از علم

علم نوری است که خداوند متعال آن را بر دل انسان عرضه می دارد و معصیت این نور را خاموش می کند و سبب می شود که انسان از علم و معرفت الله دور شود.

شاید برای ما پیش آمده باشد که بعضی مسائل دینی همچون حدیث و قرآن را یاد می گیریم اما بعد فراموش می کنیم این به دلیل آن است که ما با انجام معصیت خدا سبب خاموش شدن این نور شده ایم. چه مقدار حافظان قرآنی را سراغ داریم که به سبب معصیت و گناه خداوند متعال قرآن را از دل آنان گرفته است .

امام شافعی رحمه الله می فرمایند: روزی از کمی حافظه ام به استادم وکیع شکایت بردم.

ببینیم این شخصیت بزرگوار که حافظه بسیار قوی داشت چنین حرفی می زند، می گوید وقتی به استادم از کمی حافظه ام شکایت بردم فرمود: گناه و معصیت را ترک کن چون علم نور است و نور خدا به انسان گنهکار نمی رسد امام در این شعر می گوید:

شَكْوَتُ إِلَيَّ وَكَيْعٌ سَوْءَ حِفْظِي فَأَرْشَدَنِي إِلَيَّ تَرْكِ الْمَعَاصِي

فاخبرنی بان العلم نور و نور الله لایهدی لعاصی

علما می گویند: خداوند متعال یکی از عقوبتهایی که بر انسان به سبب گناه می آورد این است که هدایت و علم را از وی سلب می کند بطوری که شخص گنهکار در وادی معصیت سرگردان خواهد ماند .

شیخ ابو اسحاق در تعلیقی که بر فضایل قرآن ابن کثیر دارد از ضحاک بن مزاحم این طور نقل می کند که ایشان میگویند : (مَا مِنْ أَحَدٍ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَهُ، إِلَّا بِذَنْبٍ يُحْدِثُهُ؛ وَذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مَصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ، وَسَيَأْتِي الْقُرْآنَ مِنْ أَعْظَمِ الْمَصَائِبِ).

هیچ فردی نیست که قرآن را بخواند و آن را فراموش نماید مگر اینکه سبب آن گناه و معصیتی بوده که شخص آن را انجام داده است و این بدان خاطر است که خداوند متعال می فرماید «وما أصابكم من مصيبة فبما كسبت أيديكم ويعفوا عن كثير» و فراموشی قرآن از بزرگترین مصایب است.

۲- محرومیت از رزق و روزی

همانطوری که تقوی و ترس از خدا سبب می شود که رزق به انسان برسد گناه و معصیت سبب می شود که این نعمت از انسان دفع شود. شاید سوالی در این جا برای برادران و خواهران مطرح شود که چطور انسانهایی را می بینیم که نماز نمی خوانند و روزه نمی گیرند و زکات مال خود پرداخت نمی کنند اما پول و ثروت هنگفتی دارند! این مساله همان استدراج است. استدراج یعنی اینکه خداوند متعال به انسان گنهکار مال می دهد و به یک مرتبه آن را می گیرد و نابود می سازد رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرماید: (إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ يُعْطِي الْعَبْدَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى مَعْاصِيهِ مَا يُحِبُّ، فَإِنَّمَا هُوَ اسْتِدْرَاجٌ) ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً

پیامبر خدا می فرمایند: هرگاه دیدید که خداوند متعال بنده را به سبب معصیت نعمت می دهد

بدانید که این استدارج است سپس رسول الله این آیه را تلاوت فرمود : هنگامی که آنان

فراموش کردند آنچه را بدان متذکر و متعظ شده بودند درهای همه چیز را به رویشان

گشودیم و کاملاً در فراخی نعمت غوطه ور شدند، و بدانچه به ایشان داده شد شاد و مسرور

شدند ما به ناگاه ایشان را بگرفتیم و آنان مایوس و متحیر ماندند .

علما می گویند مقصود از رزق با توجه به حدیث ، رزقی است که با وجود کم بودنش کفایت

بنده را می کند و به قول خودمان خیر و برکت در آن هست نه رزقی که خیر و برکت در آن

نیست اگرچه هم بسیار زیاد باشد.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در حدیثی که در مسند امام احمد آمده می فرمایند :

(فَإِنَّ مَا قَلَّ وَكَفَى، خَيْرٌ مِّمَّا كَثُرَ وَالْهَى)

چه مقدار انسانهایی را مشاهده می کنیم که حقوق آنچنانی را می گیرند اما بازهم شکایت

و گلایه دارند که ما هیچی نداریم و در مشقت به سر می بریم .

اما کسی که در طاعت و بندگی خدا به سر می برد قانع به رزق و روزی اش است و به آنچه

خدای متعال به وی عنایت نموده راضی است. در حدیثی که امام ترمذی آن را روایت می

کند از رسول خدا اینطور می خوانیم که ایشان فرمودند : «مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سِرْبِهِ،

مُعَافَى فِي جَسَدِهِ، عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ؛ فَكَأَنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا)

۳- سخت شدن کارها بر انسان گنهکار و عاصی

شخص گنهکار چنان کارها و امور بر او سنگین می شود که ره به جایی نمی برد به هر دری که می زند درها را بر روی خود بسته می بیند کما اینکه انسان مومن و باتقوا خداوند متعال کارها را بر وی سهل و آسان می کند. دیده ایم افرادی را گلایه دارند که چنان کارهایش گره خورده که ره به جایی نمی برد، مشکلات پشت مشکلات، و این هم به سبب همین امر است که وی در طاعت و بندگی رو به سوی خدا نیاورده است. و جای بسی تعجب است که شخص این همه مشکلات را می بیند اما باز هم به خود نمی آید و بیدار نمی شود.

خداوند متعال در سوره طلاق می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» طلاق ۲ و ۳ یعنی هر کس از خدا بترسد و پرهیزگاری کند خدا راه نجات را برای او فراهم می سازد و به او از جایی که تصورش را نمی کند روزی می رساند.

این است وعده خدای متعال که هیچ شک و شبهه در آن نیست. خدای متعال خودش ضامن روزی رساندن به انسانهای با تقوا شده است اندکی بیندیشیم که اگر کارها بر ما سخت است باز گردیم به سوی الله با انجام دادن طاعت و بندگی او و مطمئن باشیم که اگر ما تقوای الله داشته باشیم خداوند متعال در کار و برنامه ما فرج و گشایش حاصل می فرماید چرا که اگر او باری تعالی به هر چیزی بگوید کن بدون شک می شود.

شاعر در این مورد می فرماید :

بِتَقْوَى الْإِلَهِ نَجَا مَنْ نَجَا وَقَازَ وَصَارَ إِلَى مَا رَجَا

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ كَمَا قَالَ مِنْ أَمْرِهِ مَخْرَجًا

۴- محرومیت از طاعت و بندگی و عبادت خدا

نحوستی که معصیت به دنبال دارد باعث خذلان و نابودی انسان می شود چرا که انسان مومن هر قدر بیشتر طاعت و بندگی خدا بنماید قرب او نسبت به الله بیشتر می شود بطوریکه خداوند متعال درهای خیر را بسوی او باز می کند و این بنده چنان عزت پیدا می کند که عبد خدا می شود نه عبد هوا و هوس و شیطان و نفس.

عبد خدا شدن یک افتخار بزرگ و یک شرفی است که خداوند متعال به هرکسی نمی دهد
«ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ»

بنده مومن وقتی عبد خدا شد برای خدا خودش را فدا می کند و عاشقانه در راه او جان می دهد چنان عاشق الله می شود که اگر به او بگویند امروز نماز جماعت باید در خانه بخوانی دنیا در مقابل چشمانش تیره و تار می گردد و زندگی بر او سخت می شود و خودش را همچون ماهی ای می پندارد که از آب بیرون آورده شده است و تنها زمانی که به طاعت خدا برگشت آرام می شود.

صحابه و اهل بیت پاک رسول خدا این چنین بودند، مشتاق و دلباخته شهادت در راه خدا و رسولش بودند. بخوانیم سیره اصحاب و اهل بیت مطهر رسول الله را که چطور خالصانه در خدمت دین خدا بودند و دین را بر نفس و جان و زن و فرزند خود ترجیح می دادند.

آنان عصر طلایی اسلام را رقم زدند، شاگردانی که در مکتب رسالت تربیت شده و به اوج رسیدند رضی الله عنهم اجمعین.

خداوند متعال به سبب معصیت توفیق انجام دادن عبادت را از انسان سلب می نماید شاید بارها و بارها مشاهده نموده ایم که شخص سالیان متمادی بر او می گذرد اما یک وعده نماز صبح هم نخوانده یا اگر نماز می خواند تهجد از او گرفته شده است که همین گرفتن توفیق عبادت از انسان خودش یک نوع عذاب محسوب می گردد.

بله سروران عزیز معصیت چنان است که حتی بعضی از گنهکاران هم از آن خسته ورنجور می شوند. شخص فکر می کند با نوشیدن شراب یا کشیدن دخانیات راحت می شود اما می بیند که چنین نیست بلکه سختی او بیشتر می شود. امراض گوناگون دامن او را می گیرند و نهایتاً به سختی می افتد.

برادر و خواهر عزیز تنها راه نجات در طاعت و بندگی خداست پس باید به الله نزدیک شد و دوباره به آغوش اسلام عزیز و حقیقی بازگشت.

۵- غفلت از قیامت و دین و قرآن

حدیثی از رسول خدا هست که انسان وقتی گناه می کند قلب او رو به سیاهی می گراید. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَخْطَأَ خَطِيئَةً، نُكِتَتْ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ، فَإِذَا هُوَ نَزَعَ وَاسْتَغْفَرَ وَتَابَ سَقِلَ قَلْبُهُ، وَإِنْ عَادَ زِيدَ فِيهَا حَتَّى تَعْلُوَ قَلْبُهُ، وَهُوَ الرَّأْنُ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ: كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» رسول خدا در این حدیث می فرماید: انسان زمانی که گناه می کند یک نقطه سیاه در قلب او مشخص می گردد اگر رو به سوی خدا آورد قلبش پاک می گردد و الا قلبش را کاملاً می

پوشاند و این همان زنگاریست که خداوند متعال آن را بیان نموده «کلاب ران علی قلوبهم
ماکانو یکسبون»

آری قلبی که زنگ زند و پاک نباشد نمی تواند نور الهی را به خوبی درک کند دیگر صحبت
های دینی و وعظ و ارشاد در آن هیچ تاثیری نخواهد داشت.
شاعر در این شعر چه جالب فرموده است :

وَكَمْ رَانَ مِنْ ذَنْبٍ عَلَى قَلْبٍ فَاجِرٍ **** فَتَابَ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِي رَانَ وَأَنْجَلَى

رسول خدا یکی از این معاصی که همان شرکت نکردن در نماز مخصوصا نماز جمعه را مثال
می زند که چگونه این معصیت باعث غفلت و مهر خوردن بر دل می شود.

این یک معصیت است حال اگر معاصی زیاد باشد که بجای خودش رسول مکرم اسلام می

فرمایند «لَيَنْتَهَيْنَ أَقْوَامٌ عَنْ وَدْعِهِمُ الْجُمُعَاتِ، أَوْ لَيَخْتِمَنَّ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ، ثُمَّ لَيَكُونَنَّ مِنَ

الْغَافِلِينَ» پس همین معصیت و تمرد باعث دو چیز می گردد اول مهر بر دل و دوم اینکه انسان
جزء غافلین قرار می گیرد.

و شکی در این مساله نیست که بدنهای انسان گنهکار و عاصی قبری است برای قلبهای آنان

و قلوب آنان به مثابه ی امواتی است که در آن بدن مدفون هستند. قلب مرده ره به جایی

نمی برد شاعر چه زیبا می گوید:

فَنَسِيَانُ ذِكْرَ اللَّهِ مَوْتُ قُلُوبِهِمْ وَأَجْسَامُهُمْ قَبْلَ الْقُبُورِ قُبُورُ

خداوند متعال در کلام پاکش در آیه ۴۰ سوره عنکبوت این چنین می فرماید: «فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» عنکبوت ۴۰

ما هر یک از اینها را به گناهان شان گرفتیم برای بعضی از ایشان طوفان همراه با سنگریزه حواله کردیم و بعضی از ایشان را صدای رعب انگیز فرا گرفت و برخی از ایشان را به زمین فرو بردیم و برخی دیگر را در آب دریا غرق کردیم و خداوند هرگز بدیشان ستم نکرده است و آنان خودشان به خویشان ستم کردند.

آری انسان با گناه نمودن و خلاف امر خدا، در حقیقت به خود ظلم بزرگی روا می دارد چرا که خداوند متعال انسان را برای عبادت و بندگی آفریده است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» ذاریات ۵۶ پس این انسان هدف را فراموش نموده و نفس را بنده ی هوی و هوس ساخته است و این است ظلم بزرگ بر نفس و سبب هلاکت و بدبختی.

برادران عزیز و خواهران بزرگوار شکی در این هم نیست که عذاب هایی که در ملل گذشته بوده است همچون خسف و مسخ و غرق در این امت هم هویدا شود چرا که رسول خدا در حدیثی این مساله را مشخص ساخته است آنجا می فرماید: (فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ خَسْفٌ، وَمَسْخٌ، وَقَذْفٌ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَتَى ذَاكَ؟ قَالَ: إِذَا ظَهَرَتِ الْقَيْنَاتُ وَالْمَعَازِفُ، وَشَرِبَتِ الْخُمُورُ)

رسول خدا خبر داده است که زمانی که زنان خواننده و آلات موسیقی و نوشیدن شراب در

بین امت آمد بلاهایی همچو مسخ و قذف و غرق هم خواهد آمد پناه می بریم به خداوند متعال از شر چنین عذاب هایی.

بنگریم به جوامع اسلامی چطور آلات موسیقی در بین ما آمده چه مقدار زنان خواننده و مشروبات الکلی که دیگر الی ماشاء الله، باید به خود آییم! چه مقدار امروز کانال های ماهواره ای را مشاهده می کنیم که بر علیه اسلام و خدا ودین برنامه ریزی می کنند. ما هم نمی دانیم که کی عذاب الهی می آید پناه می بریم به خدا از عذابش خداوند متعال در قرآن کریم به این مساله می پردازد «أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ» نحل: ۴۵

آیا توطئه گران بدکار از عذاب الهی ایمن گشته اند؟ ممکن است خداوند آنان را به دل زمین فرو برد یا این که عذاب الهی از آنجا که انتظارش ندارند و به گونه ای که به دلشان خطور نمی کند به سراغشان بیاید.

این جاست که انسان عاصی باید از خدا شرم نماید که چطور با وجود این همه نعمت الهی که وی را احاطه نموده بازهم از راه الله تمرد می نماید و بدانیم که خداوند متعال مهلت میدهد تا زمانی که این انسان در گناه غوطه ور شود و در آن موقع وی را می گیرد و به سختی هم می گیرد پس باید به درگاهش توبه نمود و از عصیان و گناه و تمرد روی گردان شد.

در حدیثی که ابن عمر از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت می کند آمده است که رسول خدا فرمودند: (وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، مَا تَوَادَّ اثْنَانِ فَفُرِّقَ بَيْنَهُمَا، إِلَّا بَدَنِبٍ يُحْدِثُهُ أَحَدُهُمَا) پیامبر خدا در این حدیث بیان می فرمایند که اگر بین دو نفری که با هم دوست بودند اختلاف بوجود آمد بدانید بخاطر گناه و خطا و معصیتی است که در بین دو نفر ایجاد شده است. و در اول این حدیث پیامبر قسم یاد می کند و این نشان دهنده این است که این موضوع چقدر مهم است.

در این حدیث پیامبر نوع گناه را هم مشخص نمی کند بلکه می فرماید هر نوع گناه و ذنبی که بین دو نفر واقع شود سبب تفرقه و اختلاف می گردد.

اختلاف و تفرقه اگر در بین امت و افراد جامعه واقع شد دیگر باید چهار تکبیر آن جامعه را خواند. ببینید رسول خدا در بدو ورودشان به مدینه منوره اولین کاری که انجام داد بعد از درست نمودن مسجد، پیوند اخوت و برادری در بین انصار و مهاجرین را برقرار ساخت.

جالب اینجاست که حتی رسول خدا با یهودیان هم پیمان صلح بست. رسول خدا امت را از تفرقه و دو دسته گی برحذر می داشت و همیشه به اصحاب گوشزد می نمود که تفرقه را کنار بگذارید که سبب از بین رفتن جامعه خواهد شد.

در بسیاری از غزوات هرگاه اختلافی در بین اصحاب رخ می داد پیامبر سریعا وارد عمل می شد، تفرقه هایی که گاه منافقان آتش آن را شعله ور می ساختند را با تدبیر خود خاموش می

کرد. عزیزانم برنامه ای که امروز جامعه ی کفر بر علیه مسلمین دارند ایجاد تفرقه و دو دسته گی در بین امت اسلامی است به هر نحوی که بتوانند این کار را انجام می دهند و از هیچ امری هم دریغ نمی ورزند و بسیاری از افراد ساده لوح هم در این دسیسه گرفتار می شوند. دشمنان به خوبی درک کرده اند که وحدت و اتحاد و یکپارچگی امت اسلام شیرازه آنان را از هم می پاشد و شوکت پوشالی آنان را درهم می شکنند و چه جالب خودشان (یهود و نصاری) اختلافات شان را کنار گذاشتند و بر علیه اسلام و مسلمین دندان گرد نمودند، بخود آییم کاری نکنیم که آب را به آسیاب دشمن بریزیم چه خواسته چه ناخواسته در دام این گرگ صفتان گرفتار شویم، به هوش باشیم تا اسلام عزیزمان را حفظ کنیم و شوکت و بزرگی اسلام را به دنیا نشان دهیم.

وحدت آنقدر مهم است که حتی رسول خدا صلی الله علیه وسلم در نماز هم مسلمین را به صف می نمود و می گفت اختلاف نداشته باشید در حدیثی که نعمان بن بشیر از رسول خدا روایت می کند این مساله برای ما بهتر هویدا و روشن می گردد.

عَنِ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا يَقُولُ: أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى النَّاسِ بِوَجْهِهِ، فَقَالَ: «أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ (ثَلَاثًا)، وَاللَّهِ لَتُقِيمَنَّ صُفُوفَكُمْ أَوْ لِيُخَالِفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» قَالَ: فَرَأَيْتُ الرَّجُلَ يُلْزِقُ مَنْكِبَهُ بِمَنْكِبِ صَاحِبِهِ، وَرُكْبَتَهُ بِرُكْبَةِ صَاحِبِهِ، وَكَعْبَهُ بِكَعْبِهِ.

نعمان می گوید که رسول خدا به مردم رو نمود و فرمود: صف هایتان را درست نمایید (سه مرتبه این امر را تکرار کرد که دال بر تاکید و اهمیت راست بودن صفوف است) بعد پیامبر قسم یاد می فرمایند که صف هایتان را درست کنید یا اینکه خداوند متعال در بین شما

اختلاف می اندازد. نعمان می گوید: دیدم که افراد دوش خود را به دوش برادر (بغل دستیش) و زانو به زانو و کعب به کعب رفیقش چسپانیده بودند. این است اهمیت وحدت و اتحاد حتی در نماز که مردم با هم در کنار هم باشند .

تفرقه از دیدگاه اسلام بسیار بد و مذموم است در متون اسلامی ما بر اهمیت وحدت و اتحاد تاکید شده تا جایی که خداوند متعال به آن در قرآن کریم اشاره نموده است:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» یا در جای دیگر می فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»

در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه وسلم در مورد مسأله وحدت و اتحاد امت و دوری نمودن از تفرقه می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لَكُمْ أَنْ تَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) وقال - صلی الله علیه وسلم - : (عليكم بالجماعة وإياكم والفرقة، فإن الشيطان مع الواحد وهو من الاثنين أبعد، من أراد بحبوة الجنة فليلزم الجماعة)

چه زیباست گفتار رسول خدا صلی الله علیه وسلم ، در این دو حدیث پیامبر خدا اهمیت وحدت را بیان می نمایند در حدیث اول رضایت خدا را در وحدت و در حدیث دوم لازمه رفتن انسان به بهشت را در پرهیز نمودن از اختلاف و تفرقه می داند.

ما هم به تأسی از آن رسول رحمت، همه مسلمانان را با هر نوع رنگ و ایده و زبان و مذهب دعوت به وحدت و یکپارچگی می نماییم و از تفرقه و اختلاف ولو هم بسیار کوچک خودمان و مسلمانان را پرهیز و برحذر می داریم چون به این امر اذعان داریم که اختلاف باعث فشل و ازبین رفتن جامعه خواهد شد .

۸- شکست مسلمانان در میادین جنگ از کفار

ما هیچ وقت به تعداد و عدّه بر کفار پیروز نشدیم بلکه آن نیروی ایمان بود که مسلمانان را به پیروزی می رسانید «کم من فئه قليلة غلبت فئه كثيرة باذن الله» یا «ومارمیت اذ رمیت ولكن الله رمی» و دیگر آیات همه گواهی بر این می دهد که مسلمانان با نیروی ایمان پیروز می شدند.

جنگ بدر را نگاه کنیم چرا مسلمانان پیروز شدند؟ تعداد ۳۱۳ نفر در مقابل ۹۵۰ نفر، جنگ خلفای راشدین با ایران و روم همه حکایت از ایمان یاران رسول خدا دارد اما در جنگ احد که فقط یک جا خلاف رسول خدا نمودند و تنگه را رها کردند چه بلایی بر سر مسلمین آمد نزدیک بود که اسلام و مسلمین شکست سختی متحمل بشوند رسول خدا در این جنگ زخمی شد همه مصایب به سبب یک چیز بود و آن اینکه آنها خلاف نمودند.

خداوند متعال در این مورد اشاره بسیار جالبی دارد آنجا که می فرماید: «أَوْلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنِّي هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» آل عمران ۱۶۵

آیا به ناله افتادید هنگامی که مصیبتی (در جنگ احد) به شما دست داده است و می گوید این کشتار و فرار از کجاست و حال آنکه در جنگ بدر دو برابر آن پیروزی کسب نمودید بگو این شکست خوردن از جانب خود شماست و نتیجه تمرد و سرپیچی از دستور رسول خداست بی گمان خداوند بر همه چیز تواناست و پیروزی و شکست در حیطة قدرت اوست. در این آیه خداوند متعال اشاره به این دارد که نتیجه نافرمانی ضرری بود که مسلمانان آن را دیدند.

در غزوه ی حنین به همین صورت آنها به تعداد نفرات شان مغرور شدند خداوند در وهله اول آنان را متوجه ساخت آنجا که بارانی از تیر مثل مور و ملخ بر سر مسلمین فرو ریخت اما به ناگه به خود آمدند خدا را به فریاد طلبیدند.

پس گناه و نافرمانی حتی در میادین جنگ هم تاثیر گذار است.

صلاح الدین ایوبی با نیروی ایمان توانست قدس عزیز را از دست صلیبیان نجات دهد، با دعا و تضرع و خواندن نماز شب پیروزی نصیب او شد.

بزرگان و اصحاب رسول خدا وقتی به جهاد می رفتند و جایی را فتح می نمودند به گریه می افتادند، خالی از لطف نیست داستان معروفی از صحابی جلیل القدر ابودرداء که امام احمد آن را در کتاب زهدش می آورد بازگو نمایم.

عبدالرحمن بن جبیر بن نفیر از پدرش نقل می کند هنگامی که قبرس فتح شد و مردمش

ویلان و سرگردان شده و بر همدیگر می گریستند، ابو درداء را دیدم در گوشه ای تنها

نشسته بود و گریه می کرد. گفتم ای ابو درداء چه چیز تو را در روزی که خداوند به اسلام و اهلش عزت عطا کرده به گریه اندخته است؟

گفت: وای بر تو ای جبیر، می بینی وقتی قومی امر خدا را ضایع گرداند، چگونه خداوند او

را خوار و پست می گرداند؟ این قوم زمانی قدرتمند و صاحب ملک بود و چون امر خدا را

ترک نمود چنین شد که می بینی؟

در اینجا ابودرداء این مساله را برای ما کاملا روشن می سازد که سبب شکست و هلاکت در

نافرمانی از دستورات الهی است، وعزت و پیروزی در اطاعت نمودن از فرامین او.

نتیجه گیری:

همه ی گناهان مثل حرام خواری، شرابخواری، ربا، زنا و... دارای آثار سوء بر روح و روان انسان می باشد که اول مثل نقطه سیاه روی تابلویی سفید، روح را لکه دار می کند و رفته رفته اگر انسان به داد خود نرسد و توبه نکند! دچار یک قساوت و سنگدلی می شود و تمام وجود او را سیاهی و تباهی فرا می گیرد؛ و دیگر هیچ موعظه گری و هیچ متنبه کننده ای حتی مرگ او را بیدار نخواهد کرد.

بوسیله گناه و معصیت است که جامعه از بین خواهد رفت و اختلاف و تفرقه در بین مردم بوجود خواهد آمد و از این جاست که انسان مومن و با تقوا برای حفظ خود و جامعه ای که در آن زندگی می کند ناگزیر است که گناه و معصیت را ترک کند.

.....
نویسنده: شیخ ابراهیم ابراهیمی « مدرس مدرسه علوم دینی اسماعیلیه »
.....

منابع و مآخذ:

- | | |
|-------------------|--------------------------------|
| ۱- قرآن کریم | ۶- الفوائد ابن قیم جوزی |
| ۲- صحیح بخاری | ۷- الداء والدوا بن قیم الجوزیه |
| ۳- صحیح مسلم | ۸- دیوان امام شافعی |
| ۴- مسند امام احمد | ۹- شرح عقیده طحاویه |
| ۵- سنن ابی داود | ۱۰- مدارج السالکین |